



زبان انگلیسی و توسعه اقتصادی

مانند اسپرانتو اما با پوشش گسترده‌تر فرهنگی - علمی. این موضوع چنان روشن است که حتی فرانسه نیز پس از پنجاه سال دفاع سرسختانه از زبان خود اکنون خسته از تلاش ناموفق و سرخورده از زبانهای اقتصادی سرانجام شروع به بخش‌نشریات و تولیدات بین‌المللی خود به زبان انگلیسی کرده است.

زبان بین‌المللی رایج دنیای امروز در اقتصاد، علوم، صنعت جهانگردی، تدریس و تحقیق دانشگاهی، صنایع مدرن، علم و صنعت نفت، فیزیک و الکترونیک و کامپیوتر و بسیاری رشته‌های دیگر زبان انگلیسی است. ما نیز مانند بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و دوازده جمهوری در شمال مرز شمالی خود چه بخواهیم و چه نخواهیم باید سرانجام، و چه بهتر که هرچه زودتر، تصمیم بگیریم که آیا راه دیگری به غیر از توسعه استفاده از زبان انگلیسی در پیش داریم یا نه، و اگر نداریم، برنامه و اهداف ما در مورد این زبان چیست.

روشن است که تا حال به علل متعدد وضعیت آموزش زبان انگلیسی در دبیرستانها و دانشگاههای کشور اسفناک بوده است. از این پس چه خواهیم کرد؟ آیا اخیراً به آگهی‌های استخدام در نشریات نگاه کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد که چندان نخواهد

(و البته دانش موجود در رشته آنان) در مدت تحصیل آنان دو یا سه برابر شده و در پنج سال آینده نیز بار دیگر دو برابر خواهد شد. چگونه می‌خواهیم از قافله دانش که رشدی چنین خیره‌انگیز یافته عقب‌نمانیم و همیای آنان در دنیا پیش رویم؟

حدود شش هزار زبان و لهجه‌های محلی مختلف در دنیا وجود دارد. اگر لهجه‌های منشعب از زبانها را کنار گذاریم دو هزار زبان هم‌اکنون در دنیا وجود دارد. زبان‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند که به علل متعدد اجتماعی - اقتصادی - سیاسی تا پایان قرن بیست و یکم اکثر آنها متروک شده و به تدریج از صحنه ارتباطات ناپدید خواهند شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که تا پایان قرن بیست و یکم دنیا چاره‌ای نخواهد داشت جز انتخاب یک زبان ارتباط بین‌المللی که احتمالاً "یا انگلیسی خواهد بود یا زبانی

هر پنج سال کل دانش بشری دو برابر می‌شود

محاسبه کرده‌اند که از مبدأ تاریخ عیسوی ۱۷۵۰ سال طول کشید تا کل دانش بشری دو برابر شود. سپس ۱۵۰ سال طول کشید تا دگربار دو برابر شود. از ۱۹۰۰ تنها ۵۰ سال طول کشید تا سومین بار دو برابر شود. از ۱۹۵۰ تا همین دهه اخیر ادعا می‌شد که هر ده سال دو برابر می‌شود. و اکنون ادعای حیرت‌انگیز این است: هر پنج سال کل دانش بشری دو برابر می‌شود.

حداقل هشت سال طول می‌کشد تا یک دکتر فیزیک از دانشگاه فارغ‌التحصیل شود. این مدت برای یک پزشک متخصص حداقل ده سال است. آن دو فارغ‌التحصیلان ده‌ها رشته دیگر آن‌گاه که فعالیت مستقل و مفید خود را در جامعه آغاز می‌کنند رویاروی با یک واقعیت هستند: آن‌چه در دانشگاه کسب کرده‌اند کهنه شده، کل دانش موجود

گذشت که حتی در آگهی‌های استخدام آبدارچی و نگهبان و کارگر ساده نیز یک شرط همیشه حاضر را ببینیم: تسلط به زبان انگلیسی.

شک نیست که توسعه بی‌برنامه زبان انگلیسی در سراسر کشور و تشویق و تدریس آن به قیمت کاستن از اهمیت زبان فارسی در مدارس راه حل مطلق نیست و ناگزیر با مخالفت‌هایی روبرو خواهد شد که بیشترین تاکید را بر حفظ ارزشهای ملی و فرهنگی خواهند کرد. و درست هم هست. اما چاره چیست؟

سه کشور هندوستان و چین و جماهیر شوروی بیش از هزار زبان و لهجه مختلف دارند. تنها هندوستان دارای هفتصد زبان و لهجه مختلف است و به نظر می‌رسد که سرانجام ناگزیر زبان انگلیسی را به عنوان زبان ملی انتخاب خواهد کرد. مشکل ما به سختی هندوستان نیست اما از هم اکنون تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات اجرای درست نیاز دارد. باورها و پندارها، تعصب‌ها و تحرها، سنت‌های محلی و ملی، علائق فرهنگی و دلبستگی طبیعی اکثریت ایرانیان به زبان فارسی به حای خود، سؤال اصلی همچنان برجسته می‌درخشد: برای همگامی با انفجار حیرت‌انگیز اطلاعات و دو برابر شدن کل دانش بشری در هر پنج سال چه برنامه‌ای داریم؟ آیا تشخیص می‌دهیم که زبان انگلیسی نقشی اساسی در توسعه اقتصاد و علم و صنعت دارد؟ و چه می‌خواهیم با آن بکنیم؟ به بخشی از گفتار اخیر مهدی فیروزان، مدیرعامل انتشارات سروش توجه کنید و سپس به حال و آینده ایران بیاورید: "دنیای آینده و آینده دنیا از آن کشورهایی است که بیشترین اطلاعات را در اختیار و انحصار خود داشته باشند. در آینده نزدیک هر کشوری که اطلاعات افزونتری داشته باشد تسلط و قدرت و بازار گسترده‌تری خواهد داشت، برتری سیاسی، دیگر از آن صاحبان سلاح‌های استراتژیک نخواهد بود، بلکه پاداش طبیعی صاحبان اطلاعات و داده‌های دست اول، توان تعیین‌کنندگی سیاست جهانی است. . ."

خوب است پیش از پرداختن به کمبودهای آموزش زبان انگلیسی در ایران ابتدا به موقعیت آن در سه کشور شرقی

بنگریم که بررسی کوتاهی از مشکل روبرویی آنها اخیراً در مجله تایم چاپ شده است.

مالزی

پس از کسب استقلال از انگلستان در سال ۱۹۵۷، زبان انگلیسی زبان اصلی حکومت و تا حدی زبان ارتباطات اقلیت‌های چینی و هندی که حرفه‌ها و اقتصاد مالزی را در اختیار داشتند باقی ماند. این واقعیت که آن دو گروه علاقه‌ای به یادگیری و استفاده از زبان مالی نداشتند باعث ایجاد برخوردهای نامطلوب نژادی شد. در طول دهه ۱۹۶۰ شاگردان دانشگاه که در "انجمن زبان مالی" فعال بودند به رهبری انوار ابراهیم که اکنون وزیر اقتصاد مالزی است به تابلوهای انگلیسی خط کشیدند و رنگ پاشیدند که به این طریق به بی‌تفاوتی حکومت در تغییر انگلیسی به زبان مالی در مدارس و دانشگاهها و ادارات اعتراض کنند. پس از برخوردهای خشن آرمیز ۱۹۶۹، ماهاتیر محمد، ملی‌گرای برتانیایی که اکنون نخست‌وزیر است اعلام کرد که توسعه زبان مالی یکی از کسدهای اصلی پایان دادن به حالت شهروندی درجه دو بودن مالی‌ها در کشور خودشان است.

اکنون مالزی روبروست با رقابت شدید نایلند و اندونزی برای سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد صنایع پیشرفته و تحول نوین اقتصادی. افزون بر آن، دستمزدها در آن دو کشور پایین‌تر و تولیدات ارزانتر از مالزی است. نتیجه: زبان انگلیسی دیگر با اهمیت یافته. فونگ جن اون، معاون وزیر آموزش مالزی می‌گوید: "ما می‌خواهیم مالزی را به عنوان یک کشور پیشرفته معرفی کنیم، و ایده‌های او در سراسر دنیا به انگلیسی هستند." ملی‌گرای دوآتشه پیشین و نخست‌وزیر سیاستمدار کنونی دست از شعاربازی برداشته و یک تلاش همگانی در حکومت برای توسعه استفاده از زبان انگلیسی آغاز کرده است.

مشکل کنونی زبان انگلیسی در مالزی این است که با تبدیل شدن مالی به زبان ملی سطح آموزش و آگاهی زبان انگلیسی شروع به کاهش کرد. در نیمه دهه ۱۹۸۰ دانشگاهیان نیز همراه تجار و صاحبان صنایع صدای اعتراض به موقعیت پست و آشفته آموزش انگلیسی در مالزی بلند

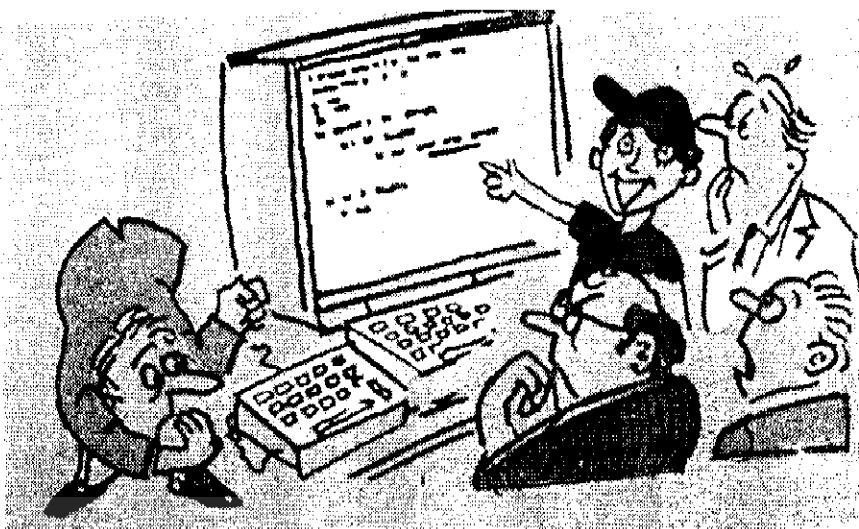
کردند. جمال محمدعلی، مسئول بحش زبان دانشگاه مالزی می‌گوید: "بسیاری از استادان زبان انگلیسی که باید به این زبان آشنایی کافی داشته باشند، حتی نمی‌توانند انگلیسی صحبت کنند." بهر حال، شماری از مردم مالزی هنوز باور ندارند که توسعه استفاده از زبان انگلیسی تهدیدی برای فرهنگ ملی است.

هنگ‌کنگ

اگر فعالیت حکومت در مالزی زبان انگلیسی را مدتی به پسروی انداخت، بی‌تفاوتی حکومت در اقتصاد هنگ‌کنگ نیز همان نتیجه را داده است. بیشتر چینی‌های ساکن هنگ‌کنگ که به لهجه کانتون صحبت می‌کنند عقاید جزمی اما متضاد درباره زبان دارند. آنان در بین خود کانتونی صحبت می‌کنند و هرکسی را که به زبان انگلیسی صحبت کند "هونگ‌جو" می‌گویند یعنی ظاهر زرد و باطن سفید، یا این وجود، بیشتر والدین چینی اصرار دارند که فرزندان‌شان را به مدرسی فرستند که زبان اصلی آن انگلیسی است. در مدرسی که زبان اولیه شاگردان و معلمین کانتونی است تدریس با مخلوطی از کانتونی و انگلیسی صورت می‌گیرد. نتیجه این که بسیاری از شاگردان در هر دوی آن زبانها ضعیف هستند. راه حلی که بیشترین طرفدار را در هنگ‌کنگ دارد این است که مدارس باید تنها لهجه کانتون زبان چینی را به کار گیرند اما مدارس خاص تدریس زبان انگلیسی نیز باید ایجاد شوند.

نزول استانداردهای زبان انگلیسی در دانشگاه هنگ‌کنگ برجستگی چشم‌گیری دارد. وقتی یک زبان‌شناس دانشگاه آکسفورد به نام روی هریس در سال ۱۹۷۵ به هنگ‌کنگ رفت که کرسی زبان انگلیسی دانشگاه هنگ‌کنگ را اداره کند باور داشت که "هنگ‌کنگ محلی ایده‌آل است برای تبدیل شدن به یک نمونه موفق جامعه دوزبانه در قرن بیست و یکم." اما در ماه جولای گذشته که هریس سرخورده و خسته از تلاش ناموفق، از شغل خود استعفاء داد و به پاریس رفت به نتیجه رسیده بود که بی‌تفاوتی حکومت، حاصل تلاش او و دیگر تلاشهای مشابه را پوچ کرده و امکان دوزبانه شدن کامل هنگ‌کنگ به سرعت در حال ناپدید

دبیرستانها و دانشگاههای ما از ابتدا همیشه اسفناک بوده. علل آن روشن است. در این جا آن علل را تحت عنوان نیازها یا کمبودهای آموزش زبان انگلیسی در دبیرستانها و دانشگاههای ایران تنها نام می بریم و عرضه بررسی گسترده و پیشنهادات اصلاحی را به عهده صاحب نظران و علاقمندان می گذاریم. در کنار آن، بررسی نقش انتفاعی ناقص و سودجویانه آموزشگاههای خصوصی تدریس زبان انگلیسی را نیز به عنوان یک موضوع نظرخواهی به خوانندگان پیشنهاد می کنم.



آموزش زبان انگلیسی - نیازها (کمبودها):

- ۱- برنامه ای جامع با اهداف روشن و زمان مشخص و بودجه کافی.
 - ۲- کتابهای آموزشی مناسب.
 - ۳- ساعت کافی تدریس.
 - ۴- روش تدریس مناسب که کارآیی آن با تحقیق و تجربه ثابت شده باشد.
 - ۵- تحدید نظر در کل برنامه آموزش زبان انگلیسی و حذف مکررات.
 - ۶- شرایط نوین و مناسب برای پذیرش دانشجوی معلمی و ترجمه زبان انگلیسی.
 - ۷- تربیت و استخدام معلمان و استادان متخصص و مناسب.
 - ۸- موفقیت مطلوب در زبان انگلیسی (درک، نوشتن و صحبت) به عنوان یکی از شرایط اصلی فارغ التحصیل شدن از دبیرستان و دانشگاه.
 - ۹- اهمیت دادن به نقش زبان انگلیسی در توسعه علم و صنعت و اقتصاد.
 - ۱۰- خودداری از استخدام فارغ التحصیلان مترجمی به عنوان معلم زبان خارجی.
- این نیازهای یک برنامه موفق آموزش زبان انگلیسی در واقع کمبودهای موجود در کشور نیز هستند زیرا در هیچ یک از ده مورد فوق وضعیت مطلوب و مناسبی وجود ندارد.
- امیدواریم این مقاله بتواند از نظر وزارت آموزش، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت معادن و فلزات، وزارت صنایع سنگین، روسای دانشگاهها، برنامه ریزان دولتی و صاحب نظران علاقمند را به مشکلات موجود و راه حلهای ممکن جلب کند. انشاءالله.

لموس است. ما میل نداریم یک جامعه شبه غربی باشیم. " بر این اساس، دولت دستور داده که ۲۷ درصد دروس مدارس باید به زبان خانوادگی شاگردان تدریس شود لجهه مدیرین زبان چینی برای چینی ها، مالی برای مالزی ها و تاملیل برای اکثریت هندی های ساکن سنگاپور. اما اندک شماری از چینی های سنگاپور زمینه کافی در لجهه مدیرین دارند، بیشتر آنان کانتونی یا بوجو یا هوکین صحبت می کنند و به این دلیل محبورند دو زبان خارجی یادگیرند: انگلیسی و مدیرین. برخی از والدین حس می کنند که این اخبار در واقع یک فشار فوق العاده بر فرزندانشان است. یک مادر چینی توجوزبان که به دو فرزند خود از ابتدای کودکی انگلیسی آموخته می گوید که این فشار بیش از تحمل کودکان عادی است و دختر ۱۲ ساله او درگیر تلاشی سخت است. او معتقد است که یادگیری مدیرین باید انتخابی باشد. گرچه سیاست حکومت سنگاپور برای توسعه استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان اصلی ارتباطات و وسیله اصلی کسب دانش مورد نیاز توسعه اقتصادی اندکی بهتر از بی تفاوتی هنگ کنگ و شاخه به شاخه پریدن مالزی است اما نهایتاً "کل مشکل را حل نکرده و کاستی های متعدد دارد. همان گونه که گفتیم و آن گفتار باور ماست، وضعیت آموزش زبان انگلیسی در

شدن است. او می گوید: "اگر می خواهید فارغ التحصیلانی داشته باشید که انگلیسی را خوب بفهمند، خوب بنویسند و صحبت کنند، نیاز به توجه و برنامه ریزی و سرمایه گذاری دارید. فکر نمی کنم حکومت هنگ کنگ تصمیم یا برنامه ای برای زبان انگلیسی داشته باشد. تنها کار حکومت واکنش به فشارها و تبلیغات قوی ترین گروههاست."

سنگاپور

در این دولت شهر منظم که به گونه بی تفاوتی ناشناخته است احساس می شود که حتی یک سیاست مصمم و تا حدی موفق برای استعاده همگانی از زبان انگلیسی نیز ممکن است کاستی هایی داشته باشد. انگلیسی زبان تدریس در مدارس و دانشگاهها و زبان اصلی حکومت و تمام ارتباطات در این دولت شهر چندنژادی است: ۷۴ درصد جمعیت چینی، ۱۴ درصد مالزی ۷ درصد هندی، و یک درصد از دیگر کشورها هستند. انگلیسی به تدریج جای دیگر زبانهای اصلی خانواده های سنگاپوری را می گیرد، ۲۸ درصد کودکانی که در سنگاپور به کلاس اول دبستان می روند از خانواده هایی می آیند که در آنها انگلیسی صحبت می شود و این واقعیت نوعی نگرانی تولید کرده است. توفی سن، وزیر آموزش سنگاپور می گوید: "امکان از دست دادن ارزشهای فرهنگی آسیائی برای کودکان ما بسیار